



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

آسیب‌شناسی فعال کریدور انرژی شمال-جنوب با بررسی جنبه‌های فنی و سیاسی کشور روسیه و کشورهای مسیر غرب و شرق دریای خزر

خرداد ۱۴۰۴

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

آسیب‌شناسی فعال کریدور انرژی شمال-جنوب با بررسی جنبه‌های فنی و سیاسی کشور روسیه و کشورهای مسیر غرب و شرق دریای خزر

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی

تاریخ انتشار: خرداد ۱۴۰۴

واژه‌های کلیدی: کریدور انرژی شمال-جنوب، کمربند-جاده چین، دروازه جهانی اتحادیه اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی، ترانزیت انرژی، منطقه اوراسیا

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	چکیده مدیریتی
۹	مقدمه
۱۱	اهمیت مسئله
۱۲	وابستگی جغرافیایی-اقتصادی آسیای مرکزی
۱۳	نقش آسیای مرکزی در ژئوپلیتیک انرژی
۱۵	بررسی اسناد بالادستی و سیاست‌های انرژی کشورهای هدف
۲۳	تبیین زیرساخت‌های فنی و سیاسی کشورهای هدف
۲۷	مسیر ایران
۳۰	توصیه سیاستی

چکیده مدیریتی

با توجه به ابتکارات مختلف از سوی کشورها (کمربند - جاده چین، بازسازی جهان بهتر GV و دروازه جهانی اتحادیه اروپا) همچنین رقابت های کریدوری - زیر ساختی منطقه ای در جریان و همچنین با اتکا به سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران و تبدیل ایران به مرکز تبادلات بر اساس برنامه هفتم توسعه نکات زیر بر اساس گزارش کریدور انرژی شمال - جنوب بدست آمده است:

قرارگیری ایران در یکی از مهم ترین نقاط تولید انرژی در جهان، موجب شده که اقدام برای هر گونه برنامه ریزی و تدوین استراتژی جدید برای مسیر کلی کشور و مشخصا بخش انرژی بدون شناخت نسبت به حوزه انرژی کشورهای همسایه در این بخش از جهان میسر نباشد. با علم به این موضوع، و به عنوان سطحی از مرور روندهای عرضه و تقاضای انرژی در سطح جهان و منطقه، مطالعه بازار بخش انرژی کشورهای همجوار ایران در دستور کار قرار گرفت. منطقه آسیای مرکزی یکی از نقاط مهم و حساس در ساختار ژئوپلیتیکی منطقه اوراسیا می باشد که از قرن نوزدهم و شروع بازی بزرگ بین روسیه تزاری و بریتانیا توجهات را به سمت خود معطوف کرد. این منطقه همواره مورد توجه قدرت های بزرگ غربی و شرقی قرار گرفته است. از این رو همجواری ایران با این منطقه محصور در خشکی و دارای ذخایر انرژی نیازمند خوانشی جدید و توجه ویژه می باشد.

موقعیت و ویژگی های ژئوپلیتیکی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به گونه ای است که با یکدیگر دارای وابستگی ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال دارند. این وابستگی زمینه و علت تعامل بین المللی و توسعه روابط در نظام بین الملل را شکل می دهد. ایران رابط بین دریای خزر و خلیج فارس است. ایران دارای مقرون به صرفه ترین مسیر برای ساخت خطوط لوله نفت و گاز برای انتقال نفت و گاز از قفقاز و آسیای مرکزی به بازارهای انرژی در جهان است. این کشور ۱۵۵۰ کیلومتر مرز زمینی با ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان دارد و خط ساحلی آن ۶۵۰ کیلومتر است. بنابراین، ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه ای برخوردار است که برای کمک به حل مشکلات صادراتی که این کشورها با آن مواجه هستند، بی رقیب است. علاوه بر این، ایران از نظر روابط دیرینه قومی، مذهبی و فرهنگی با جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز و داشتن تجربیات ارزنده در زمینه های مختلف صنعت نفت، نقش بسزایی در ارتباط با کشورهای مختلف منطقه دارد.

منطقه کاسپین و کشورهای آن زندانی جغرافیا هستند. دور بودن این منطقه از بازارهای جهانی و فقدان

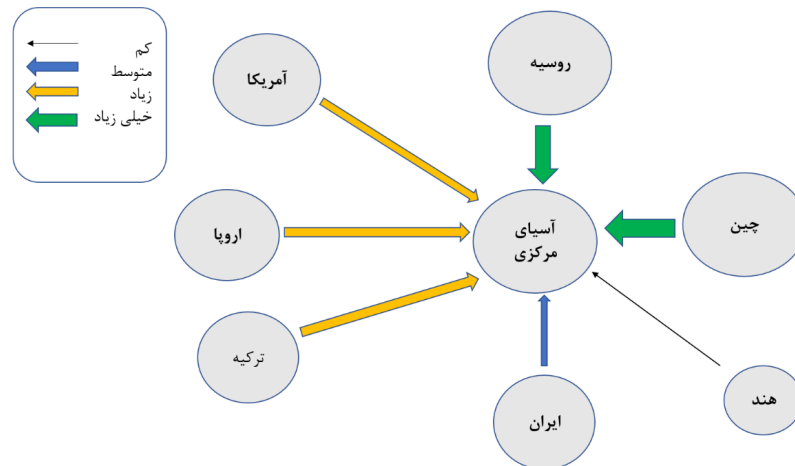
زیرساخت‌های مورد نیاز برای رساندن منابع انرژی به بازار مصرف، به کاهش تقاضای جهانی انرژی از منطقه در مقاطع مختلف توسط نهادهای خصوصی و دولتی کمک کرده است. این امر منجر به وابستگی زیادی به کشورهای ترانزیت انرژی، یعنی روسیه شده است که بر ژئوپلیتیک منطقه تأثیر می‌گذارد. ایران به عنوان دومین کشور دارای ظرفیت ترانزیت و جایگزین برای روسیه، می‌تواند توجه دولت‌های منطقه را از طریق دیپلماسی جلب کند تا یک کشور قابل اطمینان و جایگزین برای ترانزیت کالا و انرژی باشد.

نگاه قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه به آسیای مرکزی از اهمیت فراوانی برخوردار است. نقش کشورهای آسیای مرکزی در ژئوپلیتیک انرژی باعث به وجود آمدن یک الگوی رقابت و همکاری در منطقه اوراسیا شده است. بعد از جنگ اوکراین این نقش برجسته تر و گسترده تر شد. به عنوان مثال توجهات به دو کشور آذربایجان و ترکمنستان بیشتر شد.

بحران انرژی در اروپا و تحریم‌های همه جانبه علیه روسیه توجهات را به سمت انرژی کشورهای آسیای مرکزی به ویژه گاز ترکمنستان جلب کرده است. رجب طیب اردوغان، طی نشست سه جانبه روسای جمهور ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه که در دسامبر سال ۲۰۲۲ برگزار شد، تلاش کرد تا از پیوستن ترکمنستان به سازمان کشورهای ترک و آغاز صادرات گاز خود از طریق دریای خزر و سپس ترکیه برای بازارهای صادراتی اروپا حمایت کند. اما دولت ترکمنستان ترجیح می‌دهد سیاست بی طرفی اتخاذ و روابط مثبت خود را با روسیه و چین حفظ کند. اگر این کشور تصمیم بگیرد گاز خود را با دور زدن روسیه به ترکیه صادر کند در خطر قرار خواهد گرفت. علاوه بر این تغییر برنامه روسیه در سیاست انرژی جدیدش رفتن به سمت مسیرهای تجاری و صادراتی بالاخص در حوزه گاز به سمت بازارهای آسیایی می‌باشد که این امر به صورت بالقوه نقش ترکمنستان را برجسته می‌کند. همچنان ترکمنستان در پازل انرژی منطقه نقش بسیار مهمی برای چین دارد و خود ترکمنستان نیز علاقه بیشتری برای افزایش صادرات گاز خود به چین دارد. سردار بردی محمداف رئیس جمهور جدید ترکمنستان بعد از جانشینی پدرش اولین سفر خود را به چین انجام داد که منجر به یک بیانیه مشترک بین طرفین شد که انتقال گاز ترکمنستان به چین را تسریع می‌بخشد.

اتحادیه اروپا به دنبال کاهش وابستگی خود به گاز روسیه در میان مدت و بلند مدت است. در سبد انرژی اروپا آذربایجان در حال برجسته شدن است. منطقه کاسپین یکی از تامین کنندگان نفت اتحادیه اروپا است و در این زمینه باکو به عنوان تامین کننده انرژی اتحادیه اروپا نقش مهمی ایفا می‌کند،

در حال حاضر باکو حدود ۵ درصد از نیاز نفت اتحادیه اروپا را تامین می‌کند و تنها جایگزین اتحادیه اروپا در بین کشورهای ناحیه قفقاز می‌باشد.



در پی تلاش‌های اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی به گاز روسیه، طرفین در ژانویه ۲۰۱۱ «بیانیه مشترک در مورد کریدور گاز جنوبی» را امضا کردند. این کریدور به عنوان یک ابتکار راهبردی انرژی، با هدف انتقال گاز طبیعی از منابع منطقه‌ای شامل حوزه خزر (در گام نخست، میدان گازی «شاه دیز ۲» در جمهوری آذربایجان و در مراحل بعدی، احتمالاً از ترکمنستان)، آسیای مرکزی و خاورمیانه (از جمله ایران و منطقه کردستان عراق) به بازارهای اروپایی طراحی شد. کریدور گاز جنوبی به مثابه ابزاری کلیدی در تنوع بخشی به منابع انرژی و تقویت امنیت تأمین انرژی اتحادیه اروپا شناخته می‌شود، چرا که مسیرهای انتقال گاز را از طریق خط لوله‌های بین‌المللی نظیر TANAP و TAP گسترش می‌دهد و وابستگی تاریخی به یک منبع واحد را کاهش می‌دهد.

اساس همکاری‌های دوجانبه بین جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی در یادداشت تفاهم مشارکت استراتژیک سال ۲۰۰۶ تعیین شد. در این یادداشت تفاهم، قوانین، تقویت امنیت سیستم‌های عرضه و ترانزیت، توسعه سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر و افزایش همکاری‌های فنی از موارد قابل اعتناست. طبق این تفاهم مقرر گردید جلسات منظمی برای انعقاد و رسیدن به تفاهم برای بررسی تحولات روابط انرژی بین باکو و اتحادیه اروپا تشکیل شود.

همچنین روسیه به دنبال بازارهای آسیایی در زمینه انرژی می‌باشد که می‌توان گفت از بعد از جنگ اوکرای، روسیه یک سیاست آسیایی را بالاخص در حوزه انرژی پیگیری می‌کند که نمونه آن در حوزه انرژی، ۱۵ مهرماه ۱۴۰۳ افتتاح خط لوله انتقال گاز روسیه به ازبکستان از مسیر قزاقستان بود که این

نشان دهنده توجه ویژه روسیه به کشورهای همسایه، حتی در حالتی که روسیه در جنگ مستقیم است، می‌باشد.

بخش انرژی به عنوان اصلی ترین محور اقتصادی حوزه خزر، نقشی تعیین کننده در شکل دهی به تعاملات ژئوپلیتیک نوین میان کشورهای ساحلی (آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و ایران) و قدرت های فرمانطقه ای نظیر اتحادیه اروپا، چین و ایالات متحده ایفا می کند. این جایگاه راهبردی، خزر را به کانونی حساس در رقابت های ژئواستراتژیک تبدیل ساخته که در آن، منافع سیاسی-اقتصادی بازیگران منطقه ای و جهانی در تقابل یا همپوشانی قرار می گیرند. ذخایر عظیم نفت و گاز این حوزه، همراه با ظرفیت ترانزیت انرژی از طریق پروژه هایی همچون خط لوله باکو-تفلیس-جیحان (BTC) و کریدور گاز جنوبی، نه تنها بر امنیت انرژی مصرف کنندگان عمده تأثیر مستقیم دارد، بلکه ماهیت چندلایه روابط دیپلماتیک، اتحادها و حتی تنش های منطقه ای را نیز تعیین می کند. با وجود اندک به نظر رسیدن ذخایر انرژی کاسپین در مقایسه با دیگر مناطق، اگر ذخایر انرژی کشورهای عضو در نظر گرفته شود، اهمیت انرژی منطقه کاسپین در معادلات ژئواستراتژیک برجستگی خود را نشان می دهد؛ درآمدهای انرژی سهم قابل توجهی در اقتصاد کشورهای ساحلی دارد؛ اگرچه ایالات متحده از نظر جغرافیایی دور از حوزه خزر است، اما با تمرکز بر کنترل مسیرهای انتقال انرژی (از جمله خطوط لوله و کریدورهای بین قاره ای)، همواره حضور خود را در معادلات انرژی این منطقه به عنوان یک ابزار برتری راهبردی تثبیت کرده است. این رویکرد، در چهارچوب مفهومی «جنگ خطوط لوله» قرار می گیرد که به موجب آن، رقابت بر سر تسلط بر زیرساخت های انرژی، به موتور محرکه «بازی بزرگ جدید» در اوراسیا تبدیل شده است. در این رقابت، قدرت هایی مانند روسیه، چین و اتحادیه اروپا با اهداف متضاد، در حال بازتعریف نقشه ژئواکونومی منطقه هستند.

همچنان باید در نظر داشت که نمیتوان از شرایط سیاست خارجه ایران در این موضوع چشمپوشی نمود و اتفاقا به مساله تحریمها و مناسبات میان ایران و آمریکا میبایست بهچشم یک عنصر کاملاً موثر و در مواردی تعیینکننده نگریست. به این دلیل که اگر مذاکرات فعلی بین ایران و ایالات متحده به نتیجه نسبی برسد شرایط در دو بعد ژئواکونومی داخلی و منطقه ای تا حدی تغییر خواهد کرد که این امر باعث می شود تجارت ایران با کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی تغییر یابد. بنابراین باید سناریوهای مختلف را در نظر گرفت.

مقدمه

توسعه کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب به دلیل مزایای اقتصادی آن و همچنین جهت‌گیری مجدد اقتصاد روسیه از غرب به شرق به طور گسترده در روسیه مورد بحث قرار گرفته است. این مسیر میانبر روسیه به هند است. اولین بار توسط تاجر روسی آفاناسی نیکیتین در قرن پانزدهم و سپس در طول جنگ جهانی دوم برای تدارکات نظامی به اتحاد جماهیر شوروی مورد استفاده قرار گرفت. دالان بین‌المللی حمل و نقل شمال - جنوب نزدیک‌ترین مسیر حمل و نقل ترکیبی است که اقیانوس هند و خلیج فارس را از خاک ایران و باکو به روسیه پیوند می‌دهد. این پروژه یک کریدور چندوجهی حمل و نقل به طول ۷۲۰۰ کیلومتر است که در دوازدهم سپتامبر ۲۰۰۰ در سن‌پترزبورگ به‌وسیله سه کشور ایران، روسیه و هند و به‌منظور ترویج همکاری‌های حمل و نقلی بین اعضا تأسیس شد. این دالان اقیانوس هند و خلیج فارس را از طریق ایران به دریای مازندران و سپس به سن‌پترزبورگ و اروپای شمالی متصل می‌کند. هدف اصلی این پروژه کاهش زمان حمل و نقل بار بین روسیه و هند و همچنین ایجاد یک مسیر جایگزین برای کانال سوئز در مصر بود که کوتاه‌تر و راحت‌تر باشد. مزایای اصلی کریدور حمل و نقل شمال-جنوب نسبت به سایر مسیرها به ویژه در مسیر دریایی از طریق کانال سوئز، کاهش مسافت به نصف یا بیشتر و همچنین کاهش هزینه حمل و نقل کانتینری در مقایسه با هزینه حمل و نقل کانتینری از طریق دریا بوده است. ظرفیت پیش‌بینی شده برای این مسیر حمل و نقل بیست تا سی میلیون تن در سال است و هزینه‌های کنونی حمل و نقل و همچنین مدت زمان مسیر را سی تا چهل درصد کاهش می‌دهد. همچنین روسیه می‌کوشد با توسعه تجارت با ایران از طریق مسیر بندر آستاراخان - ماخاچ قلعه - دربند - باکو - آستارا و همچنین منطقه شرق خزر از کشور ترکمنستان و ناحیه اینچه برون به قلمرو ایران وارد شود و به بازار آسیای جنوبی و جنوب‌شرقی دست یابد. در ادامه، کریدور شمال - جنوب از طریق خط آهن تهران - بندرعباس به تنگه هرمز می‌رسد. علاوه بر کارکرد ترانزیتی این کریدور بین‌المللی می‌توان آن را به عنوان یک کریدور انرژی (ترانزیت و سوآپ) نیز شناسایی کرد. این کریدور می‌تواند در بخش انرژی مناطق آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، جنوب آسیا و جنوب شرق آسیا را در بخش‌های مختلف انرژی درگیر کند. یکی از راه‌های تجاری کلیدی ایران و روسیه، کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال به جنوب (INSTC) است که یک شبکه حمل و نقل چندوجهی است که هند و خلیج فارس را به روسیه و اروپای شمالی متصل می‌کند. کریدور حمل و نقل برای روابط و تجارت روسیه و ایران بسیار مهم است. کریدور شمال-

جنوب دسترسی انرژی روسیه را به بنادر دریایی ایران و همچنین به بازارهای پاکستان، هند و آسیای جنوب‌شرقی باز میکند. این موارد کشورها و مناطقی هستند که از نظر اقتصادی به سرعت در حال رشد هستند و تعامل با آن بازارها به روسیه کمک میکند تا ستونی برای توسعه بیشتر اقتصاد خود در شرایط محاصره واقعی غرب پیدا کند.

اهمیت مسئله

با توجه به یکی از ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که نگاه به سیاست همسایگی می باشد، تهران به دنبال توجه ویژه به همسایگان است. گسترش روابط با هند، چین و روسیه و سایر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و عضویت در پیمان شانگهای و بریکس نیز در همین راستا صورت گرفته، که این امر بیش از پیش اهمیت ارتباط با همسایگان و قدرت های نوظهور در زمینه های مهمی همانند انرژی و ترانزیت را نشان می دهد. همچنین در برنامه هفتم توسعه در بخش تولید و دیپلماسی انرژی «ماده ۴۴ بند ۴» عنوان شده که به منظور تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی (هاب) منطقه مکلف است، ستاد راهبری تجارت منطقه ای انرژی را تشکیل و سند و نقشه راه دیپلماسی منطقه ای انرژی را تدوین نماید. از این روی، با توجه به ویژگی جغرافیایی ایران (شرقی-غربی و شمالی-جنوبی) باید به سیاست گذاری در دو حوزه حمل و نقل و انرژی بیش از پیش توجه شود. در ادامه در «ماده ۱۰۰ بند ۱۰» نیز اشاره شده که جهت کمک به ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در ترانزیت منطقه ای و بین المللی سواحل مکران، بندر چابهار و تنوع بخشی به بازارهای وارداتی و صادراتی و اتصال شبکه های انرژی با کشورهای همسایه، ارتقای جایگاه کشور در زمینه تجارت، انتقال و سوآپ انرژی باید مورد توجه قرار گیرد. لذا بر آن شدیم تا به اهمیت کزیدور انرژی شمال- جنوب و بررسی جنبه های فنی و سیاسی کشورهای درگیر در این حوزه پردازیم.

وابستگی جغرافیایی-اقتصادی آسیای مرکزی

نزدیکی مرزهای جغرافیایی مهم‌ترین عامل پیدایش یک سامانه منطقه‌ای است. وجود عامل جغرافیا می‌تواند منافع مشترک و متضادی را برای گروهی از کشورها به ارمغان بیاورد و این می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش یک سامانه منطقه‌ای شود. در این میان کشورهای آسیای مرکزی با داشتن جمعیتی بالغ بر ۷۶ میلیون نفر (۹۵٪ جمعیت جهان)، براساس داده‌های بانک جهانی، دارای تولید ناخالص داخلی ۳۰۰ میلیارد دلاری (اسمی) و ۱ تریلیون دلاری (براساس نرخ PPP) است.^۱ مساحت این منطقه حدوداً ۴ میلیون کیلومتر مربع (۲/۵ برابر ایران) است.

نقشه ۱: نقشه جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی



از بین کشورهای منطقه، ازبکستان و قزاقستان، به ترتیب، با ۳۳ و ۱۸ میلیون نفر بیشترین جمعیت را دارند. پس از آن‌ها، تاجیکستان (۹ میلیون)، قرقیزستان (۶/۵ میلیون) و ترکمنستان (۶ میلیون) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. علاوه بر این، کشورهای منطقه طولانی‌ترین مرزهای جغرافیایی را با سه کشور روسیه، چین و ایران دارند که زمینه مناسبی برای تعامل و همکاری با این کشورها ایجاد می‌کند.

1- [HTTPS://WWW.WORLDBANK.ORG/EN/REGION/ECA](https://www.worldbank.org/en/region/eca)

اگرچه کشورهای منطقه دارای برخی از ظرفیت‌های مهم طبیعی و منابع از جمله نفت و گاز، زغال سنگ، اورانیوم، منابع متعدد معدنی و ظرفیت‌های کشاورزی هستند، اما مهم‌ترین مزیت این منطقه مزیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی وسیع آن است که محل کریدورهای متعددی میان شرق و غرب است. همچنین، از آن جایی که هیچ‌یک از این کشورهای منطقه به آب‌های آزاد و گرم دسترسی ندارند و این کشورها land locked هستند، باعث می‌شود که زمینه همکاری و وابستگی به کشورهای منطقه، به ویژه ایران، افزایش یابد.

نقش آسیای مرکزی در ژئوپلیتیک انرژی:

آسیای مرکزی در طول تاریخ، منطقه مهمی در جاده ابریشم باستانی محسوب می‌شد و مسیری برای تجارت و تبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین اقوام و ملل بوده است. از این مسیر برای جابه جایی کالا و اندیشه بین اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و شرق آسیا استفاده می‌شده است. این منطقه میزبان اولین قطب‌های تاریخ جهانی یعنی نخستین مراکز تمدن‌های یکجانشین، رمه‌داران و کوچ‌نشین‌های مناطق استپی بوده و این موضوع توانست نقش مهمی در تاثیر متقابل بین این عوامل ایفا کند. مناطق طبیعی آسیای مرکزی دارای تمام پیش‌شرط‌های لازم برای شکوفایی تمدن‌ها و صنعت دامداری بوده و به همین دلیل این ناحیه دارای نوعی پیوستگی فرهنگی و تاریخی ویژه است. آسیای مرکزی در ژئوپلیتیک کنونی میان دو قاره آسیا و اروپا قرار داشته و از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردار است. در کنار این مزیت ژئواستراتژیک، این منطقه دارای منابع سرشار نفت و گاز است. موقعیت ارتباطی و ارزش استراتژیک دریای کاسپین، نزدیکی به خطوط لوله انرژی، توان تاثیرگذاری برای بحران‌های منطقه‌ای و علایق مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی میان کشورهای منطقه از دیگر دلایل اهمیت روزافزون این منطقه است.

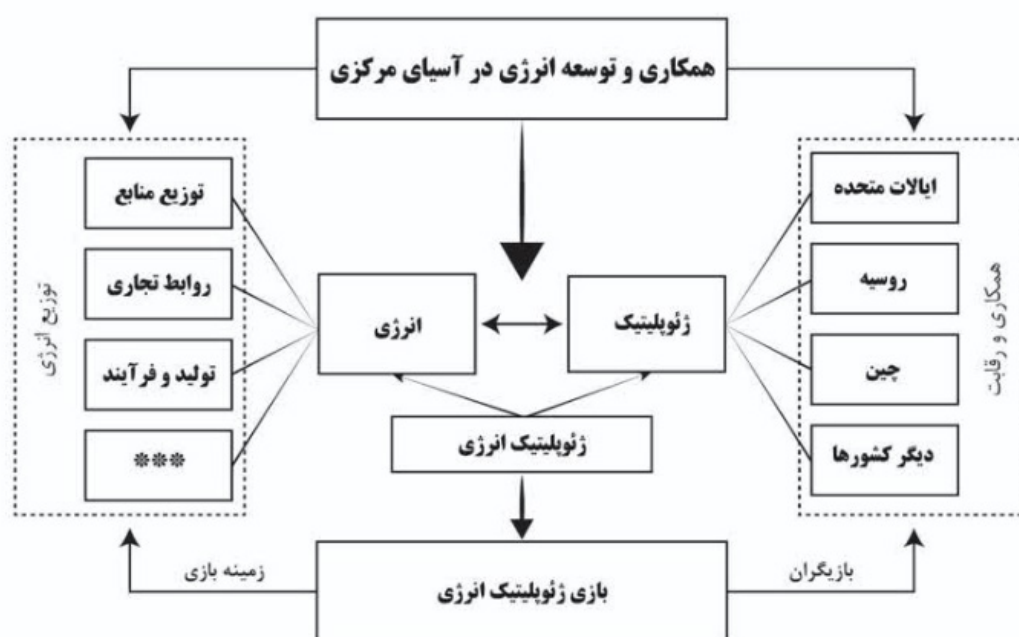
ویژگی‌های ژئوپلیتیک انرژی و وضعیت ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی مشخص می‌کند که در ساختار انرژی آسیای مرکزی ما با یک الگوهای رقابت - همکاری روبرو هستیم. در این ساختار پیچیده که زمینه‌های بازی (رقابت و همکاری) بین قدرت‌های بزرگ را مشخص می‌کند، مبحث ژئوپلیتیک انرژی در مرکز آن قرار دارد. قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده، چین و روسیه کشورهای اصلی در بازی ژئوپلیتیک انرژی آسیای مرکزی هستند. اتحادیه اروپا، ایران، ترکیه، ژاپن، کره جنوبی و هند نیز در کانال‌های مختلف در این زمینه حضور دارند. از سوی دیگر در زنجیره ارزش و تولید در مبحث انرژی، کل توسعه صنعت انرژی، تولید و سیستم‌های فرآوری، حوزه‌هایی هستند که کشورهای آسیای مرکزی

با یکدیگر در رقابت و همکاری هستند و این زمینه‌ها و موضوعات و توجه به آنان ژئوپلیتیک انرژی در آسیای مرکزی را شکل می‌دهد.

بنابراین، می‌توان اهمیت آسیای مرکزی را در نظریه‌های ژئوپلیتیک ناشی از عوامل زیر دانست:

- قرارگیری در قلب اوراسیا و قلمروی استراتژیک هارتلند
- موقعیت جغرافیایی ویژه و نزدیکی به قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از جمله روسیه، چین، هند، پاکستان و ایران.
- داشتن منابع سرشار نفت و گاز و مواد معدنی از جمله اورانیوم
- ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی منطقه از جمله غالب بودن دین اسلام به عنوان دین مردمان منطقه و قرارگیری در هلال نوروز
- ویژگی‌های داخلی مانند بی‌ثباتی سیاسی و دولت‌های شکننده، قاچاق مواد مخدر، وجود افراط‌گرایی و رادیکالیسم، بحران‌های قومی و زیست محیطی.
- منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

شکل ۱: چارچوب تحلیل ژئوپلیتیک انرژی در آسیای مرکزی^۱



1- QIANG , ZHOU,... , (2020) , “ ENERGY GEOPOLITICS IN CENTRAL ASIA : CHINA’S INVOLVEMENT AND RESPONSES “ , INSTITUTE OF GEOGRAPHIC SCIENCES AND NATURAL RESOURCES , CAS , BEIJING

بررسی اسناد بالادستی و سیاست‌های انرژی کشورهای هدف

روسیه

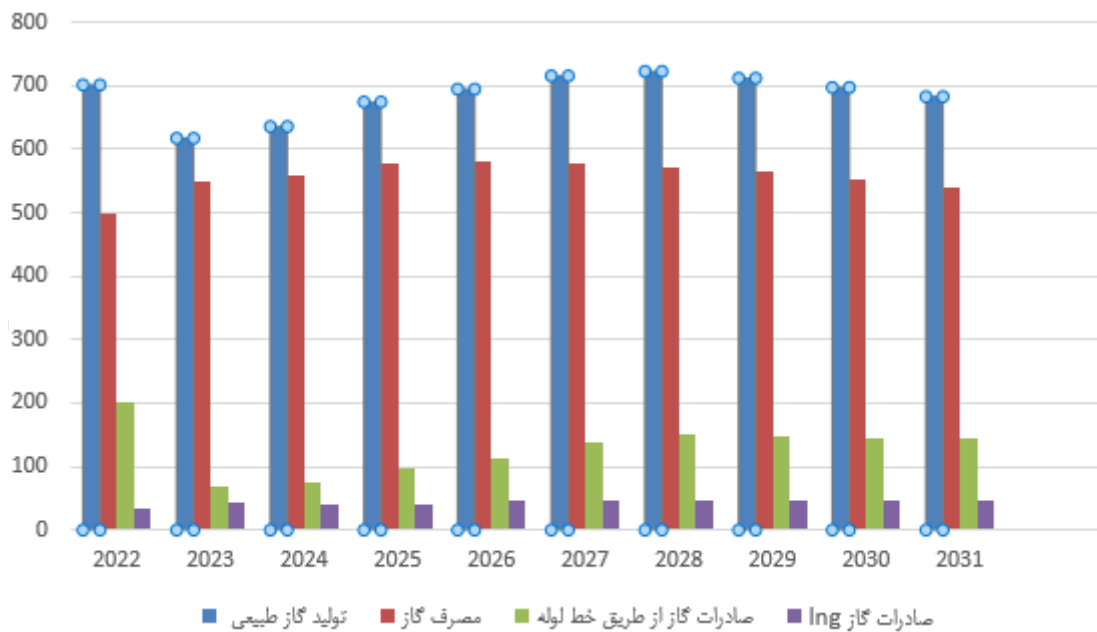
آخرین نسخه در دسترس اسناد انرژی روسیه، منتشر شده در تاریخ ژوئن ۲۰۲۰ است که سیاست‌های انرژی روسیه را تا سال ۲۰۳۵ تشریح می‌کند که مرتبط با سیاست‌های تدوین شده پیش از جنگ اوکراین است. موج تحریم‌های کشورهای اروپایی و ایالات متحده علیه روسیه موجب شده که دیگر برخی از اهم موضوعات اشاره شده در این سند، برای نمونه برنامه روسیه برای تبدیل شدن به یکی از ۵ قدرت بزرگ اقتصادی انرژی که بخش بزرگی از آن به صادرات گاز به اتحادیه اروپا و سرمایه‌گذاری این اتحادیه در صنعت نفت و گاز روسیه متمرکز شده بود، دیگر امکان‌پذیر نبوده و باید مسیرها و مقاصد صادراتی جدیدی در این راستا تدوین شود.

روسیه تا کنون نتوانسته برنامه مرتبط با تبدیل شدن به یکی از اقتصادهای بزرگ و تأثیرگذار را پیش ببرد و در حال حاضر در زمره ۱۰ اقتصاد بزرگ نیز جای نمی‌گیرد، اما مسکو به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ و صادرکننده گاز طبیعی جهان و با استفاده از خطوط لوله صادراتی توانسته است جایگاه خود را به عنوان یک ابردولت انرژی تثبیت کرده و از منابع طبیعی و هیدروکربنی خود به عنوان اهرم فشار در روابط خارجی و مذاکرات بین‌المللی بهره‌برد. در زمینه ظرفیت صادراتی و امنیت انرژی روسیه نیز، مسکو توانسته است با بهره‌مندی از زیرساخت‌های توسعه یافته انرژی و نیروگاه‌های هسته‌ای، آبی و ... ظرفیتی بالغ بر بیش از ۲ برابر مصرف داخلی خود تولید داشته باشد (که همین میزان مصرف داخلی نیز با صرفه‌جویی می‌تواند کاهش چشمگیری داشته باشد) که امکان مازاد مصرف را برای روسیه فراهم می‌آورد.

جدول شماره ۱: ساختار گاز روسیه (تولید، مصرف، صادرات)

صادرات گاز LNG	میزان صادرات گاز از طریق خطوط لوله (میلیارد متر مکعب)	مصرف گاز در سال (میلیارد متر مکعب در سال)	تولید گاز طبیعی (میلیارد متر مکعب در سال)	روسیه (در سال)
۳۴/۱	۲۰۲/۹	۴۹۸/۷	۷۰۱/۵	۲۰۲۱
۴۳	۶۸/۸	۵۴۸/۵	۶۱۷/۴	۲۰۲۲
۴۰	۷۶/۴	۵۵۹/۵	۶۳۵/۹	۲۰۲۳
۴۰	۸۴/۳	۵۷۰/۷	۶۵۵	۲۰۲۴
۴۰	۹۸/۲	۵۷۶/۴	۶۷۴/۶	۲۰۲۵
۴۵	۱۱۲/۷	۵۸۲/۲	۶۹۴/۸	۲۰۲۶
۴۵	۱۳۹/۳	۵۷۶/۳	۷۱۵/۷	۲۰۲۷
۴۵	۱۵۲/۳	۵۷۰/۶	۷۲۲/۸	۲۰۲۸
۴۵	۱۴۷/۲	۵۶۴/۹	۷۱۲/۱	۲۰۲۹
۴۵	۱۴۳/۸	۵۵۳/۶	۶۹۷/۴	۲۰۳۰
۴۵	۱۴۳/۳	۵۳۹/۷	۶۸۳	۲۰۳۱

نمودار ۱: وضعیت گازی روسیه



ترکمنستان

ترکمنستان قلب انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی می‌باشد. این کشور با دارا بودن ذخایر عظیم گازی جز بازیگران تاثیرگذار در ژئوپلیتیک انرژی جهانی می‌باشد، از این رو این کشور به دلیل منابع غنی انرژی به دنبال روابط متعدد و متنوع با همسایگان و محیط پیرامونی خود می‌باشد. در منظومه فکری نخبگان سیاسی ترکمنستان متنوع سازی و کاهش وابستگی به چین در بلند مدت در زمینه انرژی مطرح می‌باشد. سیاست اصلی ترکمنستان بهره برداری حداکثری از منابع گاز خود و متنوع سازی بازارهای صادراتی گاز تولیدی از طریق احداث خط لوله انتقال گاز می‌باشد.

سیاست انرژی ترکمنستان مبتنی بر عملیاتی سازی و کانال گذاری متنوع منابع انرژی، بهره وری و صرفه جویی در انرژی، امنیت انرژی، سرمایه گذاری ها، دیپلماسی انرژی، نوآوری ها و انرژی تجدیدپذیر (سبز) می‌باشد. همچنین افزایش ظرفیت تولید داخلی و ملی برای پاسخگویی به نیازهای خارجی، متنوع کردن مسیرهای صادرات انرژی، افزایش صادرات، تامین امنیت حمل و نقل انرژی و شبکه ها به بازارهای خارجی جز سیاست گذاری های کلان این کشور برای نقش آفرینی فعال در بازارهای انرژی و ژئوپلیتیک انرژی می‌باشد. سیاست استراتژیک هیدروکربنی ترکمنستان، مبنی بر قصد دولت برای محدود کردن فعالیت شرکت های خارجی در بالادست (به جز شرکت های چینی) است. تصمیم چین برای دریافت گاز از ترکمنستان بر اساس استراتژی صنعتی این کشور بود که شامل ارائه برنامه اعتباری در مقیاس بزرگ به ترکمنستان بوده است. با نقش آفرینی شرکت نفت ملی چین (CNPC) به عنوان بازوی اجرایی سیاست های انرژی پکن، همراه با مشارکت نهادهای مالی دولتی نظیر بانک توسعه چین (CDB) و صندوق جاده ابریشم، سرمایه گذاری های کلانی در بخش بالادستی صنعت انرژی (شامل اکتشاف، استخراج و توسعه میادین نفت و گاز) در مناطق استراتژیک اوراسیا و خاورمیانه انجام شد. این همگرایی بین بازیگران دولتی چین، الگویی از یکپارچگی عمودی^۱ در زنجیره تامین انرژی را نشان می دهد که در آن، تامین مالی پروژه ها توسط بانک های سیاست محور، اجرای فنی توسط شرکت های ملی و اهداف ژئواکونومیک دولت مرکزی به صورت هماهنگ پیش میرود. برای نمونه، پروژه های مشترک CNPC با کشورهای عضو ابتکار کمربند و جاده (BRI) مانند احداث خط لوله مرکزی آسیا-چین (CACP) و توسعه میادین گازی شهرآباد در ایران یا کاشاگان در قزاقستان، نه تنها امنیت انرژی چین را تقویت کرده، بلکه نفوذ پکن را در کریدورهای انتقال انرژی اوراسیا تثبیت نموده

است. دولت چین رشد بازار گاز را تشویق می‌کند. کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی (NDRC) یک طرح اصلاحی را اتخاذ کرده است که اولین گام مهم حرکت به سمت سیستم قیمت گذاری نت بک مرتبط با نفت است و از نوامبر ۲۰۱۱ آزمایش شده است. به گفته NDRC، هدف این است که تعداد زیادی از سیستم های قیمت گذاری تنظیم شده در هر استان، با یک قیمت واحد شهری جایگزین شود و سپس "آزادسازی قیمت ها و اجازه به بازار برای تصمیم گیری قیمت ها" صورت گیرد.

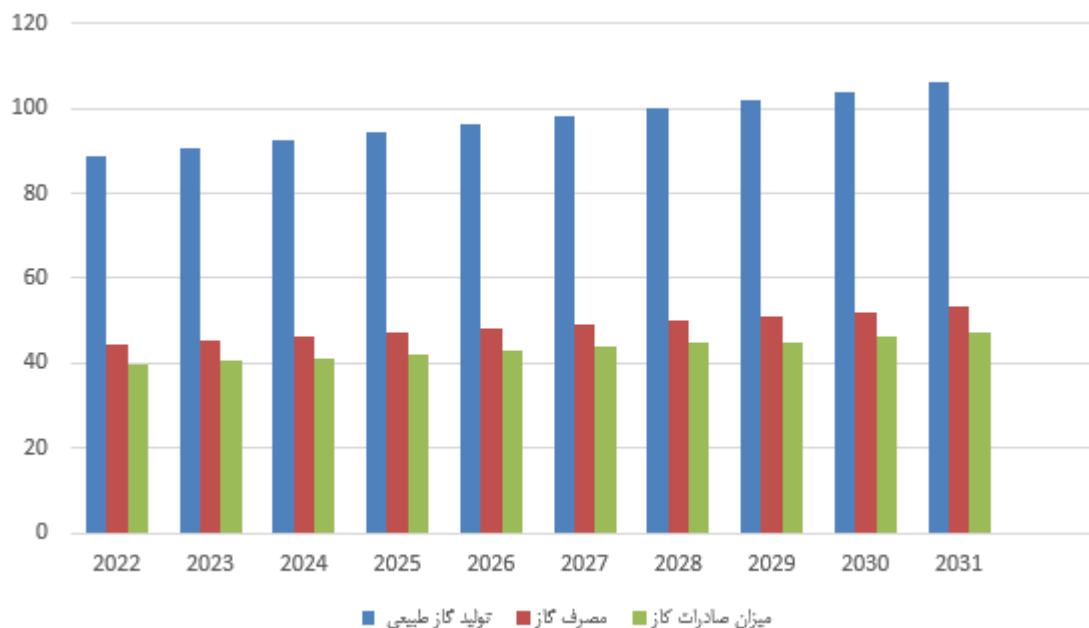
بر اساس گزارش توسعه ای فیچ، محرک اصلی رشد در ترکمنستان همچنان صنعت گاز طبیعی است، به این دلیل که محدودیت های سختگیرانه در حوزه سرمایه گذاری خارجی پتانسیل سایر بخش های توسعه ای بالاخص در حوزه ساختمانی را محدود می‌کند.^۱ بیشترین ذخایر قطعی گاز طبیعی در حوضه آمودریا در جنوب شرق، حوضه مرغاب و حوضه خزر جنوبی در غرب قرار دارد. میدان دولت آباد یکی از بزرگترین و قدیمی ترین میادین تولیدی کشور است که ذخایر آن ۱/۶۸ تریلیون متر مکعب برآورد شده و در حوضه آمودریا واقع شده است. میدان گالکینیش واقع در استان مرو، اکنون دومین میدان گازی بزرگ جهان محسوب می‌شود. گمان می‌رود این میدان که در سال ۲۰۰۶ کشف شد، دارای ذخایر قابل برداشت قطعیشد که بین ۱۳/۱ تا ۲۱/۱ تریلیون متر مکعب تخمین زده می‌شود.^۲

جدول شماره ۲: ساختار گاز ترکمنستان (تولید، مصرف، صادرات)

ترکمنستان (در سال)	تولید گاز طبیعی (میلیارد متر مکعب)	مصرف گاز (میلیارد متر مکعب در سال)	میزان صادرات گاز (میلیارد متر مکعب)	صادرات گاز از طریق خط لوله (میلیارد متر مکعب)	صادرات گاز (میلیارد دلار)
۲۰۲۲	۸۸/۷	۴۴/۵	۳۹/۷	۳۹/۷	۱۴/۶
۲۰۲۳	۹۰/۵	۴۵/۴	۴۰/۵	۴۰/۵	۱۵/۱
۲۰۲۴	۹۲/۳	۴۶/۳	۴۱/۳	۴۱/۳	۱۵/۸
۲۰۲۵	۹۴/۲	۴۷/۲	۴۲/۱	۴۲/۱	۱۶/۸
۲۰۲۶	۹۶/۱	۴۸/۲	۴۳	۴۳	۱۷/۱
۲۰۲۷	۹۸/۰	۴۹/۱	۴۳/۸	۴۳/۸	۱۷/۴
۲۰۲۸	۹۹/۹	۵۰/۱	۴۴/۷	۴۴/۷	۱۷/۸
۲۰۲۹	۱۰۱/۹	۵۱/۱	۴۵/۶	۴۵/۶	۱۸/۱
۲۰۳۰	۱۰۴/۰	۵۲/۱	۴۶/۵	۴۶/۵	۱۸/۵
۲۰۳۱	۱۰۶/۱	۵۳/۲	۴۷/۴	۴۷/۴	۱۸/۹

Source: Turkmenistan Oil & Gas Report ,2023 , Q2 Fitch solution

نمودار ۲: وضعیت گازی ترکمنستان



قزاقستان

قزاقستان پیشروترین کشور آسیای مرکزی در زمینه‌های توسعه ای و زیرساختی می‌باشد. این کشور در چیدمان ژئوپلیتیکی منطقه اوراسیا با وجود محصور بودن در خشکی با دو قدرت بزرگ روسیه و چین هم مرز است و به صورت پیوسته در حال موازنه ایجاد کردن در این منطقه در زمینه‌های اقتصادی - سیاسی بین کشورهای آسیای مرکزی و بازیگران قدرتمند در این منطقه است. قزاقستان دارای منابع متعارف انرژی زغال سنگ، نفت و گاز و اورانیوم می‌باشد. میزان ذخایر اثبات شده نفت قزاقستان تا پایان سال ۲۰۲۱ معادل ۳۰/۹ میلیارد بشکه بوده که ۱/۷ درصد از سهم کل ذخایر جهان را شامل می‌شود. تولید نفت خام و میعانات گازی این کشور در سال ۲۰۲۱، معادل روزانه ۱/۸ میلیون بشکه در روز بوده که نسبت به سال ۲۰۲۱ معادل ۰/۳ درصد افزایش یافته است.^۱ بر اساس اسناد بالادستی و سیاست انرژی قزاقستان رشد مسیرهای صادراتی برای قزاقستان با توجه به میزان مصرف داخلی کاملاً حیاتی است. در اکتبر ۲۰۱۸، KMG و CNPC توافق کردند که واردات گاز قزاقستان به چین را به ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال افزایش دهند. نکته قابل توجه این است که قزاقستان توسط تولیدکنندگان مهم گاز از جمله روسیه، ازبکستان و ترکمنستان احاطه شده است. سهم قزاقستان در خط لوله آسیای

1- BP, 2022

۲- Kazmunay Gas (KMG): شرکت نفت و گاز متعلق به دولت قزاقستان

مرکزی - چین ۵ میلیارد متر مکعب می‌باشد که در حال حاضر گاز ترکمنستان و ازبکستان از این خط لوله به چین صادر می‌شود. به دلیل در پیش گرفتن سیاست‌های توسعه‌ای در کشورهای منطقه که منجر به افزایش رقابت‌ها برای سهم بیشتر در بازار چین شده است پیش‌بینی می‌شود که واردات چین از خط لوله گاز آسیای مرکزی - چین از ۵۵/۶ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۰ به ۸۵/۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۹ افزایش یابد.^۱ شرکت بهره‌برداری شمال خزر مجری میدان کاشاگان در حوزه ترانس گاز در مورد گزینه‌های انتقال و فرآوری گاز تولیدی در دریای خزر با شرکت دولتی گاز ترانس قزاقستان همکاری می‌کند. این امر به دنبال تکمیل مطالعات طراحی مهندسی مقدماتی بر روی خطوط لوله گاز دریایی و خشکی و کارخانه پردازش گاز در خشکی صورت گرفت.^۲ بر اساس برآوردها تولید از سال ۲۰۲۷ آغاز می‌شود و ۵۰۰۰۰ بشکه در روز اضافه می‌شود. قزاقستان در تلاش است. به صورت کلی قزاقستان در تلاش است تا خود را به عنوان یک کشور پیشرو، توسعه‌گرا و یک شریک و متحد استراتژیک برای کشورهای منطقه نشان دهد.

در اکتبر ۲۰۲۲، قزاقستان علاقه خود را برای افزایش پتانسیل ترانزیت باری در امتداد کریدور بین المللی شمال - جنوب اعلام کرد. رئیس‌جمهور قزاقستان اعلام کرد که ادغام دو شرکت مهم راه‌سازی kazatodor و kazavtozhol را برای بهبود در زمینه توسعه راه‌های داخلی و منطقه‌ای برای کارایی بیشتر مد نظر دارد. در همین راستا در ۳۱ مارس ۲۰۲۲، ترکیه، گرجستان، آذربایجان و قزاقستان بیانیه‌ای چهارجانبه در مورد توسعه "کریدور حمل و نقل بین المللی ترانس خزر" امضا کردند. این جبهه طلبی‌ها برای تقویت تجارت منطقه‌ای به سرمایه‌گذاران قابل توجهی در ارتباطات جاده‌ای و ریلی برای افزایش ظرفیت نیاز دارد.^۳

این موارد خود دلیلی بر ذهنیت همزمان شرقی - غربی و شمالی - جنوبی دولت قزاقستان می‌باشد، زیرا این کشور باید در عرصه منطقه‌ای و در دو حوزه زیر ساختی و حمل و نقلی دو کشور قدرتمند اوراسیایی چین و روسیه را مد نظر داشته باشد.

1- FITCH SOLUTION , " KAZAKHSTAN OIL AND GAS REPORT " , 2023

۲- این مطالعات تا سال ۲۰۲۳ تکمیل خواهد شد و راه را برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری نهایی در مرحله اول توسعه تولید توسط اپراتورها هموار می‌کند.

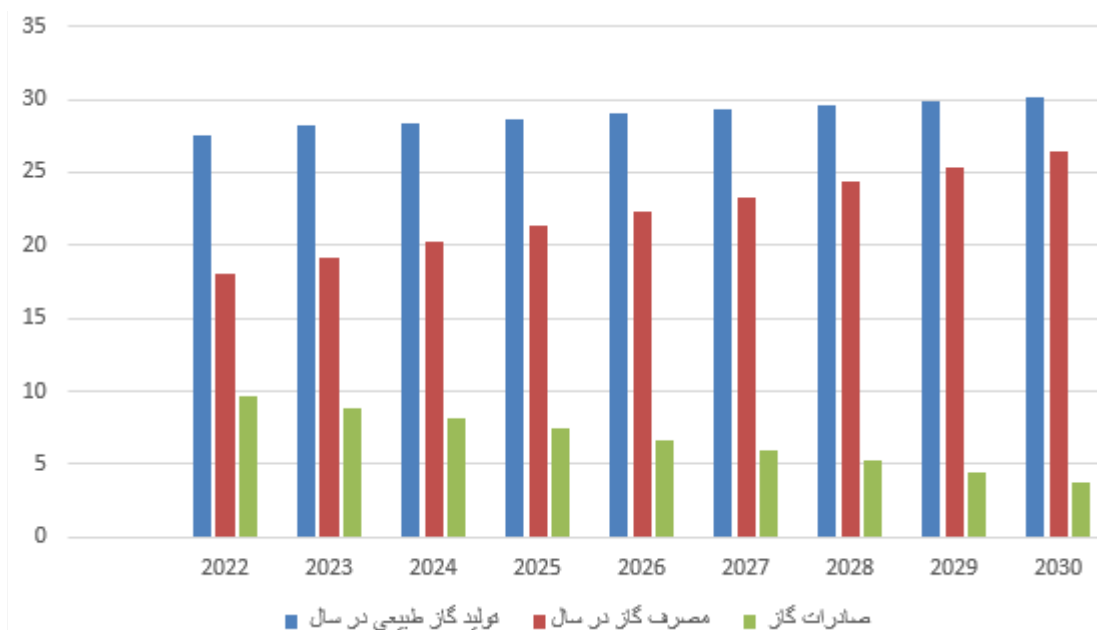
3- FITCH SOLUTION , " KAZAKHSTAN INFRASTRUCTURE REPORT " Q1 2023

جدول شماره ۳: ساختار گاز قزاقستان (تولید، مصرف، صادرات)

قزاقستان (در سال)	تولید گاز طبیعی در سال (میلیارد متر مکعب)	مصرف گاز در سال (میلیارد متر مکعب)	صادرات گاز (میلیارد متر مکعب)	صادرات گاز از طریق خط لوله (میلیارد متر مکعب)
۲۰۲۲		۱۸،۰	۹،۶	۹،۶
۲۰۲۳		۱۹،۲	۸،۹	۸،۹
۲۰۲۴		۲۰،۳	۸،۱	۸،۱
۲۰۲۵		۲۱،۳	۷،۴	۷،۴
۲۰۲۶		۲۲،۳	۶،۷	۶،۷
۲۰۲۷		۲۳،۳	۶،۰	۶،۰
۲۰۲۸		۲۴،۴	۵،۲	۵،۲
۲۰۲۹		۲۵،۴	۴،۵	۴،۵
۲۰۳۰		۲۶،۴	۳،۸	۳،۸

Source: Kazakhstan Oil & Gas Report, 2023, Q2 Fitch solution

نمودار ۳: وضعیت گازی قزاقستان

آذربایجان^۱

پیشران اصلی اقتصاد آذربایجان منابع هیدروکربنی این کشور است و برآورد می‌شود که بیش از ۹۰٪ از صادرات و ۳۰-۵۰٪ درآمد ناخالص داخلی این کشور ناشی از صادرات نفت و گاز طبیعی است. علاوه

1-<https://iea.blob.core.windows.net/assets/49662c46-575f-4561-a541-5541f5342b07/Azerbaijan2021EnergyPolicyReview.pdf>

بر آمار اشاره شده، بیش از ۶۰٪ درصد بودجه دولتی آذربایجان و ۹۸٪ از انرژی این کشور و ۹۰٪ از تولید برق وابستگی مستقیم به نفت و گاز دارد.^۱ در واکنش به سیاست‌های اتخاذ شده از جانب سایر کشورها در قبال کاهش وابستگی به نفت و گاز و جایگزینی سوخت‌ها فسیلی، آذربایجان نیز به سمت تغییراتی در سیستم اقتصادی خود و حرکت به سمت سیستم بازار و افزایش نقش شرکت‌های خصوصی حرکت کرده است.

آذربایجان توانسته است تا با سرمایه‌گذاری مستمر در صنایع بالادستی نفت و گاز خود، به یک تأمین‌کننده مهم و قابل اعتماد تبدیل شود. برای نمونه، بزرگترین دستاورد در این حوزه برای باکو، تکمیل کریدور گازی جنوبی این کشور و انتقال گاز به اروپا از میدان گازی شاه‌دیز ۲ از مسیر ترکیه به سمت اروپا به واسطه خطوط لوله این کریدور بوده است. اتحادیه اروپا بعد از بحران اوکراین، به دنبال تنوع‌بخشی به مبادی وارداتی خود بوده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵، نیاز اتحادیه به واردات گاز بیش از ۴۵ میلیارد متر مکعب افزایش پیدا کند. باکو توانایی انتقال سالانه بیش از ۱۶ میلیارد متر مکعب سال تولیدی میدان گاز شاه‌دیز به سمت اروپا را دارد که می‌تواند باکورا به هاب گازی منطقه تبدیل کند.^۲

اگرچه نفت و گاز همچنان به عنوان پایه اصلی ثروت آذربایجان به شمار می‌رود، تولیدات نفت که از اواسط قرن ۱۹ آغاز شده بود، از سال ۲۰۱۰ به این سمت روند کاهشی در پیش گرفته است. در طرف دیگر اما تولیدات گاز که از سالهای اولیه قرن ۲۱ شدت گرفته بود در حال حاضر نیز روندی افزایشی به خود گرفته است.

جدول شماره ۴ : ساختار گاز آذربایجان (تولید، مصرف، صادرات)

آذربایجان (سال)	تولید گاز (میلیارد متر مکعب در سال)	مصرف گاز (میلیارد متر مکعب در سال)	صادرات گاز (میلیارد متر مکعب در سال)
۲۰۲۲	۳۵،۵	۱۲،۰	۲۳،۵
۲۰۲۳	۳۶،۲	۱۲،۳	۲۳،۹
۲۰۲۴	۳۶،۶	۱۲،۷	۲۳،۹
۲۰۲۵	۳۶،۶	۱۳،۰	۲۳،۶
۲۰۲۶	۳۶،۵	۱۳،۱	۲۳،۴
۲۰۲۷	۳۶،۴	۱۳،۲	۲۳،۲

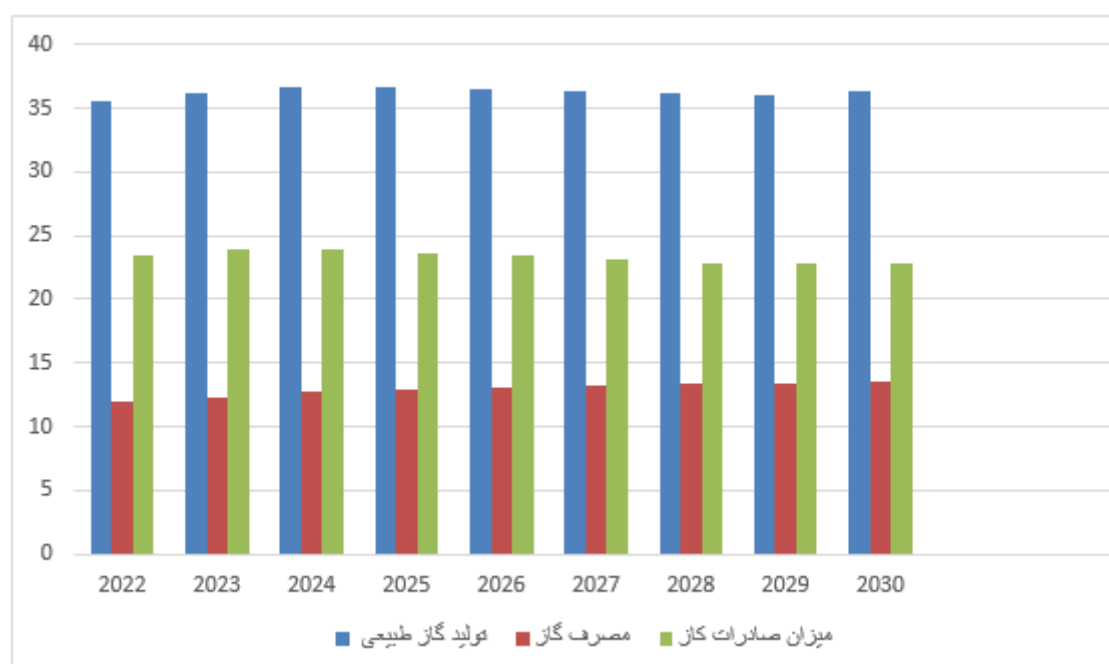
1- WORLD ENERGY OUTLOOK (2023) , IEA

2- AZERBAIJAN 2021 (ENERGY POLICY REVIEW) , IEA (INTERNATIONAL ENERGY AGENCY) , 2021

۲۲،۹	۱۳،۴	۳۶،۲	۲۰۲۸
۲۲،۵	۱۳،۵	۳۶،۰	۲۰۲۹
۲۲،۸	۱۳،۶	۳۶،۴	۲۰۳۰

Source: Azerbaijan Oil & Gas Report ,2023 , Q2 Fitch solution

نمودار ۴: وضعیت گازی آذربایجان



تبیین زیرساخت‌های فنی و سیاسی کشورهای هدف

روسیه

روسیه در حال حاضر خط لوله باکو-نوروسیسک را به طول ۱۳۳۰ کیلومتر با ظرفیت انتقال ۱/۲ میلیون بشکه نفت در روز به صورت مشترک با آذربایجان دارد که در سال ۱۹۹۷ تأسیس و در حال حاضر نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. همچنین خط لوله انتقال گاز طبیعی موزدوک-مخاچ‌کالا-کازی‌موگومد نیز بین مسکو و باکو کشیده شده است که البته از سال ۲۰۱۳ به این سو با توقف صادرات گاز از طرف آذربایجان به روسیه، مورد استفاده قرار نگرفته است. در حال حاضر نیز روسیه با آذربایجان در حال مذاکراتی برای تأسیس یک خط لوله انتقال گاز طبیعی جدید به مقصد آذربایجان است که امکان اتصال به خط لوله ترانس-آناتولی این کشور را دارد که گاز آذربایجان را به مقصد اروپا انتقال می‌دهد، البته که در این مورد هنوز توافقات جدی بین طرفین صورت پذیرفته است.

ترکمنستان

در مورد ترکمنستان نیز روسیه در حال حاضر یک رشته خطوط لوله مستقیم فعال با ترکمنستان دارد. خطوط لوله آسیای مرکزی-مرکز که تحت کنترل گازپروم است، از طریق ازبکستان و قزاقستان و بوسیله ۵ رشته خط لوله میادین گازی ترکمنستان را به روسیه متصل می‌کند. خط لوله شماره ۳ که اصلی‌ترین این خطوط محسوب می‌شود، میادین گازی جنوب شرقی ترکمنستان را به روسیه اتصال می‌دهد. در حال حاضر در سال ۲۰۲۳، روسیه ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز به صورت سالانه از ترکمنستان دریافت می‌کند که نسبت به زمان اوج مبادلات گازی که ارقام ۴۰ میلیارد مترمکعبی را ثبت کرده بود، رقم بسیار پایینی است. روسیه طی سالهای گذشته در تلاش بوده که میزان مبادلات گازی خود را با ترکمنستان افزایش دهد، اما این کشور خواستار افزایش وابستگی خود به مسکو نبوده و به دنبال مسیرهای جایگزین انتقال گاز خود برای نمونه از طریق خط لوله ترنس-کاسپین بوده که روسیه را نیز دور می‌زند.

در همین راستا می‌توان به سواپ گازی ترکمنستان با ایران نیز اشاره کرد که از این طریق ایران گاز مورد نیاز با مناطق شمالی کشور را تأمین و در مقابل به همان میزان گاز به ترکیه صادر می‌کرد که البته به سبب بروز مشکلات در پرداخت از طرف ایرانی این مسیر با مشکلاتی مواجه شده است.

با توجه به اهداف انرژی ترکمنستان، تنوع زیرساخت‌های حمل و نقل که قادر به تأمین منابع انرژی از طریق شبکه خط لوله می‌باشد یک هدف و اولویت استراتژیک برای این کشور است. ترکمنستان با دارا بودن سه خط لوله بالفعل و دو طرح خط لوله به دنبال افزایش بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. خط لوله آسیای مرکزی-روسیه^۱ با دو شاخه شرقی (از ترکمنستان) و غربی (از ازبکستان)، پیش از سال ۲۰۰۹، نقش اصلی در صادرات گاز ترکمنستان و ازبکستان به بازار روسیه و اروپا ایفا می‌کرد با این حال، وقوع حادثه انفجار خط لوله در آوریل ۲۰۰۹ و تشدید اختلافات دو جانبه بر سر قیمت‌گذاری گاز و مسئولیت فنی، این مسیر را به حالت تعلیق کشاند. این رویداد نه تنها به کاهش ۹۰ درصدی صادرات گاز ترکمنستان به روسیه، (از ۴۰ به ۴ میلیارد مترمکعب در سال) انجامید، بلکه نقطه عطفی در جهت‌گیری انرژی ترکمنستان به سمت بازارهای شرقی (چین) محسوب می‌شود. مهمترین شبکه صادراتی کنونی ترکمنستان، خط لوله آسیای مرکزی-چین (CAGP) است که در چهارچوب قرارداد ۲۰۰۷ بین شرکت ملی گاز ترکمنستان (Türkmengaz) و شرکت ملی نفت چین (CNPC) اجرایی شد. شاخه D از مسیر متفاوت تاجیکستان، شمال افغانستان و سپس قرقیزستان وارد

چین می‌شود اما به دلیل کوهستانی بودن مسیر و هزینه بالای ساخت، هنوز به فعالیت نرسیده است. (این خطوط چهار گانه نشان دهنده قدرت و تاثیر چین در سیاست گذاری انرژی ترکمنستان می‌باشد که اهرم قیمتی به دلیل تنوع فروشندگان انرژی به چین تا حد زیادی در دستان چین می‌باشد).^۱ خط لوله صادرات گاز به ایران نیز برای طرفین بسیار مهم می‌باشد که دارای دو شاخه می‌باشد: شاخه شرق خزر که از منطقه کربچه - کردکوی با ظرفیت حدودی ۱۲ میلیارد متر مکعب است. شاخه دیگر از میدان گازی دولت آباد در کشور ترکمنستان آغاز شده و پس از گذر از سرخس ترکمنستان در منطقه خانگیران به خط لوله سراسری ایران متصل می‌شود. ترکمنستان همچنان به دنبال طرح دو خط لوله تاپی و خط لوله ترانس کاسپین است که خود دال بر استراتژی متنوع سازی ترکمنستان می‌باشد.

قزاقستان

قزاقستان دارای سه پالایشگاه کوچک است که ظرفیت کلی آن به ۴۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد. هزینه نوسازی و به روز کردن این پالایشگاه در سال ۲۰۱۸ معادل ۶ میلیارد دلار بود که باعث کاهش وابستگی در واردات فرآورده های نفتی از روسیه شد.^۲ در ژئوپلیتیک انرژی منطقه اوراسیا خط لوله نفت چین - قزاقستان بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. این خط لوله به طول ۲۲۲۸ کیلومتر می‌باشد که از شهر آتیرا در کشور قزاقستان شروع می‌شود و در گردنه آلاباد در چین پایان می‌یابد. این خط لوله و تلاش برای افزایش ظرفیت آن بالاخص بعد از جنگ اوکراین در صدر استراتژی های قزاقستان قرار گرفته است، که خود نشان دهنده عزم قزاقستان برای تنوع مسیرهای صادراتی و دسترسی به بازارهای جدید می‌باشد. یکی از خطوط لوله که بخش مهمی از خط لوله اصلی قزاقستان - چین است خط لوله آتاسو - آلاشانکو^۳ می‌باشد. این خط لوله در سال ۲۰۰۶ با سرمایه گذاری شرکت ملی نفت چین با ظرفیتی ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز به بهره برداری رسید.^۴ ساخت چنین خط لوله ای نشان دهنده استراتژی های بلند مدت چین برای تامین امنیت انرژی خود می‌باشد. البته باید این نکته را نیز یادآور شد که ساخت و سرمایه گذاری در چنین خط لوله هایی نشان دهنده استراتژی های بلند مدت چین برای تامین امنیت انرژی خود می‌باشد که به دنبال تمرکز زدایی و عدم وابستگی به کشورهای حاشیه خلیج فارس در بلند مدت است.

1- TURKMENISTAN OIL & GAS REPORT ,2023 , Q2 FITCH SOLUTION

۲- مرکز پژوهش های مجلس ، « چشم انداز سیاست های انرژی در قزاقستان و ظرفیت های همکاری با ایران »، ۱۴۰۱

3- ATASU-ALASHANKOU PIPELINE

4- [HTTP://LARGE.STANFORD.EDU/COURSES/2010/PH240/SAGATOV2](http://LARGE.STANFORD.EDU/COURSES/2010/PH240/SAGATOV2)

علاوه بر خطوط لوله قزاقستان که به سمت شرق می‌رود این کشور دارای میادین مهم نفتی نیز می‌باشد که نقش بسزایی در ژئوپلیتیک انرژی خزر دارد.

میدان کاشاگان^۱ از میادین مهم نفتی فراساحلی قزاقستان می‌باشد، که در بخش شمالی حوضه نفتی دریای خزر قرار دارد. این میدان با میدان نفتی تنگیز^۲ که در سال ۲۰۰۰ کشف شد مشترک می‌باشد. میدان تنگیز، میدان نفتی و گازی در شمال غرب قزاقستان می‌باشد.

کنسرسیوم خط لوله خزر^۳ یک کنسرسیوم و خط لوله نفتی برای انتقال نفت خزر از میدان تنگیز به پایانه دریایی و صادراتی نوروسیسک در دریای سیاه می‌باشد. این خط لوله یکی از بزرگترین خطوط لوله نفتی جهان و مسیر اصلی صادرات نفت از میادین کاشاگان و قراچاجانک^۴ است. خط لوله خزر یک درصد از عرضه جهانی نفت را انتقال می‌دهد.^۵ این خط لوله تقریباً ۸۰ درصد نفت صادراتی قزاقستان را انجام می‌دهد. در سال ۲۰۲۱ این خط لوله ۱/۳ میلیون بشکه در روز را انتقال داده است. کل تولید نفت قزاقستان ۱/۶ میلیون بشکه در روز می‌باشد که ۱/۳ میلیون بشکه در روز از طریق این خط لوله انتقال می‌یابد.^۶ قزاقستان همچنان یکی از تامین کنندگان اصلی خط لوله باکو-تفلیس-جیهان می‌باشد. دولت قزاقستان به دنبال افزایش ظرفیت صادرات خود از این خط لوله تا ۱/۵ میلیون تن نفت در راستای قرارداد پنج ساله با دولت آذربایجان به سمت اروپا می‌باشد.^۷

آذربایجان

آذربایجان ۱۰۰ درصد از مصرف ناخالص انرژی خود را از تولید داخلی تأمین می‌کند، که عمدتاً مبتنی بر استفاده از ذخایر هیدروکربنی خود، یعنی نفت و گاز طبیعی است. بخش انرژی کشور به انرژی خارجی وابستگی ندارد. باکو نفت، گاز طبیعی و برق صادر می‌کند. سهم اصلی عرضه انرژی توسط فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی تأمین می‌شود. نفت و گاز طبیعی منابع اصلی انرژی در تولید انرژی کشور هستند. سهم آن‌ها بیش از ۹۹ درصد است. حدود ۸۰ درصد از نفت و گاز تولید شده نیز

1- KASHAGAN FIELD

2- TENGIZ FIELD

3- CASPIAN PIPELINE CONSORTIUM

4- KARACHAGANAK FIELD

5- <https://www.reuters.com/business/energy/caspian-pipeline-fined-russia-suspension-lifted-2022-07-11/>

6- <https://www.reuters.com/business/energy/oil-majors-face-output-slump-deep-losses-if-russia-stops-kazakh-pipeline-2022-07-11/>

7- <https://astanatimes.com/2022/11/kazakhstan-to-transport-1-5-million-tons-of-oil-via-baku-tbilisi-ceyhan-pipeline/>

صادر می‌شود. باکو در سال ۲۰۱۸ در حدود ۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام اثبات شده دارد که از این میزان ذخایر ۷۹۵ هزار بشکه نفت خام روزانه تولید می‌کند که ۹۸ هزار بشکه آن به مصارف داخلی می‌رسد و مابقی صادر می‌شود.

مسیر ایران

موقعیت و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به گونه‌ای است که با یکدیگر دارای وابستگی ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال هستند. این وابستگی زمینه و علت تعامل بین‌المللی و توسعه روابط در نظام بین‌الملل را شکل می‌دهد.

ایران رابط بین دریای خزر و خلیج فارس است و در مرکز ۷۵ درصد از ذخایر نفت و گاز جهان قرار دارد. ایران به عنوان پل ارتباطی میان دریای خزر (بزرگترین مخزن هیدروکربنی خشکی جهان) و خلیج فارس (مرکز ثقل انرژی جهانی)، در قلب «مثلث انرژی اوراسیا» قرار دارد. ایران دارای مقرون به صرفه‌ترین مسیر برای ساخت خطوط لوله نفت و گاز برای انتقال نفت و گاز از قفقاز و آسیای مرکزی به بازارهای انرژی در جهان است. این کشور ۱۵۵۰ کیلومتر مرز زمینی با ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان دارد و خط ساحلی آن ۶۵۰ کیلومتر است. بنابراین، ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی برخوردار است که برای کمک به حل مشکلات صادراتی که این کشورها با آن مواجه هستند، بی‌رقیب است.

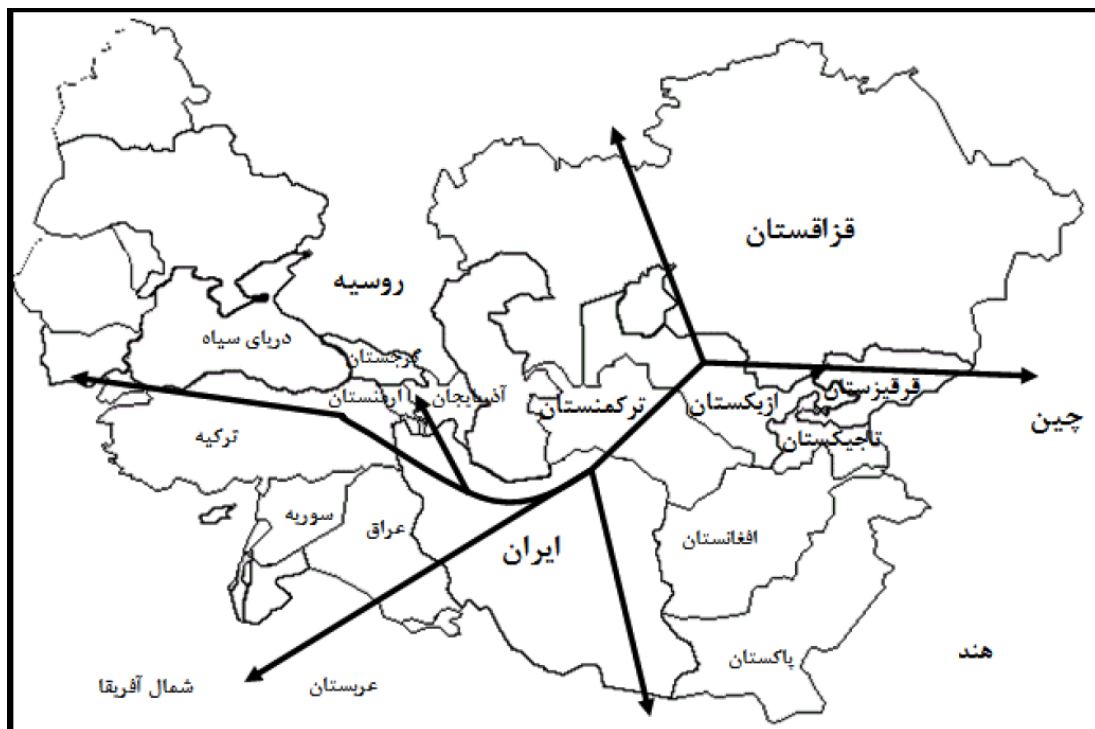
علاوه بر این، ایران از نظر روابط دیرینه قومی، مذهبی و فرهنگی با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز داشتن تجربیات ارزنده در زمینه‌های مختلف صنعت نفت، نقش بسزایی در ارتباط با کشورهای مختلف منطقه دارد.

منطقه کاسپین و کشورهای آن زندانی جغرافیا هستند. دور بودن این منطقه از بازارهای جهانی و فقدان زیرساخت‌های مورد نیاز برای رساندن منابع انرژی به بازار مصرف، به کاهش تقاضای جهانی انرژی از منطقه در مقاطع مختلف توسط نهادهای خصوصی و دولتی کمک کرده است. این امر منجر به وابستگی زیادی به کشورهای ترانزیت انرژی، یعنی روسیه شده است که بر ژئوپلیتیک منطقه تأثیر می‌گذارد. ایران به عنوان دومین کشور دارای ظرفیت ترانزیت و جایگزین برای روسیه، می‌تواند توجه دولت‌های منطقه را از طریق دیپلماسی جلب کند تا یک کشور قابل اطمینان و جایگزین برای ترانزیت کالا و انرژی باشد.

ایران دارای موقعیت بسیار مناسبی در زمینه انتقال انرژی، کالا و مسافر کشورهای آسیای مرکزی از طریق

خلیج فارس به بازارهای جهانی است و نیز می‌تواند انرژی این منطقه را بدون عبور از روسیه به اروپا منتقل کند و از وابستگی ترانزیتی این کشورها به روسیه بکاهد. این امر مورد حمایت کشورهای اروپایی نیز است. مسیر ایران اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و کوتاه‌ترین راه انرژی منطقه است و شبکه راه آهن ایران نیز از ظرفیت خوبی برای ترانزیت کالا برخوردار است. همچنین، ایران نقشی کلیدی در شاهراه‌های موجود منطقه و راه ابریشم نوین، راه آهن سراسری آسیا، تراسیکا و کریدور شمال-جنوب دارد. اقتصاد ایران و آسیای مرکزی از توان هم‌افزایی و مکملی برخوردار است به طوری که ایران می‌تواند مواد خام و طبیعی را از این منطقه تهیه کرده و با استفاده از ظرفیت‌های پردازشی خود به کالاهای با ارزش افزوده بیشتر تبدیل کند. در حال حاضر، حجم مبادلات بین ایران و آسیای مرکزی بالغ بر ۱/۳ میلیارد دلار بوده که از این بین ازبکستان و ترکمنستان (۲۹٪) بیشترین سهم و سایر کشورها به ترتیب، قزاقستان (۲۷٪)، تاجیکستان (۸٪) و قرقیزستان (۶٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.^۱ ایران علاوه بر کریدور ترانزیتی شمال - جنوب باید استراتژی منسجمی برای کریدور انرژی شمال - جنوب برای ترانزیت و سوآپ انرژی داشته باشد تا از این ویژگی نزدیکی به کشورهای آسیای مرکزی و همچنان قابلیت شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بودنش استفاده کند.

نقشه ۲: مزیت‌های متقابل ایران و آسیای مرکزی برای یکدیگر



علاوه بر مزیت‌های جغرافیایی ایران برای کشورهای آسیای مرکزی، کشورهای آسیای مرکزی نیز می‌توانند مزیت‌هایی برای منافع ایران دربرداشته باشند. این کشورها از آن جایی که در همسایگی شمال شرقی ایران قرار دارند، امنیت آنان بر امنیت مرزهای ما تاثیرگذار است و از این رو ثبات آنان برای ما ضروری است. همچنین، ایران به دلیل داشتن قرابت‌های فرهنگی و ژئوکالچرال می‌تواند از این مزیت در راستای افزایش بهره‌برداری اقتصادی و دستیابی به بازارهای منطقه و افزایش تبادلات تجاری استفاده کند. همچنین، این کشورها از آن جایی که به آب‌های آزاد نیاز دارند می‌توانند از ایران برای این منظور استفاده کنند. این موضوع می‌تواند ضریب امنیتی ما و سود اقتصادی ما از جغرافیا را افزایش دهد. قرابت‌های فرهنگی بین ایران و منطقه مانند بذری عمل می‌کنند که می‌توانند زمینه شکوفایی و رشد ایران و منطقه را مهیا سازند.

کریدور عرب - مد (کریدور چند وجهی در حال ظهور بین منطقه ای) و تاثیر آن بر ایران و ابتکار یک کمر بند یک راه:

کریدور مذکور هند را از طریق امارات و عربستان و سپس اردن و اسرائیل به اروپا متصل می‌کند، این کریدور در راستای انتقال کالا و خدمات در این مسیر برقرار شده اما توانایی ایجاد تغییرات جدی در مسیرهای تجاری دیگر در منطقه اقیانوس هند، خاورمیانه و اروپا را نیز دارد. این موضوع برای هند از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که می‌تواند تاثیرات ژئوپلیتیکی عمیقی بر جایگاه هند در نظم اقتصادی اوراسیا داشته باشد. این کریدور قرار است که کالا و غذا را از هندوستان به سمت اروپا هدایت کند که لازمه اصلی شکل‌گیری این مسیر، عادی‌سازی روابط بین امارات متحده عربی و اسرائیل است تا کالاها از بنادر امارات تحویل گرفته شده و با استفاده از خطوط آهن از عربستان و اردن به سمت بندر حیف در اسرائیل حرکت کنند و از بندر پیرائوس به مقاصد اروپایی خود برسند. در طرف مقابل نیز انرژی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس رهسپار هند خواهد شد. راه‌اندازی این کریدور می‌تواند از اهمیت کریدور ترانزیتی شمال-جنوب کاسته و هندوستان از بنادر امارات به جای چابهار ایران برای دسترسی به اروپا استفاده کند. در کنار اینها ایالات متحده و هندوستان از استیلای چین بر اقیانوس هند در هراس هستند و ارائه طرح‌های جایگزین برای جاده ابریشم نوین چین همواره در دستور کار این کشورها قرار داشته است و از این جهت این طرح حمایت همه‌جانبه ایالات متحده را نیز با خود به همراه دارد.

ذهنیت و تلاش ترکیه برای هاب شدن در دو زمینه غلات و انرژی:

یکی از تبعات اصلی جنگ اوکراین، برهم خوردن زنجیره تولید، تامین و ارزش و جریان صادرات محصولات غذایی به خصوص گندم بوده است که جهان، به خصوص کشورهای فقیرتر آفریقایی و حتی بخشهایی از خاورمیانه را با خطر قحطی مواجه کرده است. در کنار اینها، بخش اعظم صادرات مواد غذایی اوکراین از طریق دریا صورت میپذیرفت که به دلیل گسترش درگیری به دریای سیاه، زنجیره صادرات نیز با مشکلات جدی مواجه شده است.

در همین راستا ترکیه در تلاش بوده است که از این فرصت بهره برده و از روابط خود با روسیه استفاده و غلات و محصولات غذایی این کشور را دریافت، و خود دوباره این محصولات را صادر کند. چنین اقدامی نه تنها منافع اقتصادی برای ترکیه به همراه دارد، بلکه اهرم فشار جدیدی نیز در اختیار این کشور در روابط آنکارا با دولت‌های نیازمند واردات محصولات غذایی که اغلب کشورهای کم‌برخوردار از نظر اقتصادی هستند قرار می‌دهد. در زمینه انرژی نیز با موج جدید تحریم‌های غرب علیه صنایع نفتی روسیه، صادرات این کالاها به اروپا با مشکل مواجه کرده است. در اینجا نیز ترکیه با بازی کردن نقش واسطه، انرژی را از روسیه دریافت و به سمت اروپا صادر می‌کند. از این طریق هم روسیه برای صادرات خود به ترکیه وابسته شده و هم اروپا انرژی خود را از جانب آنکارا دریافت می‌کند.

توصیه سیاستی:

برجسته شدن نقش کریدورهای اقتصادی - تجاری در جهان امروز بیش از هر زمان دیگری برجسته شده است. در جهان امروزی شاهد ابتکارات و ابرپروژه‌های زیر ساختی زیادی از قبیل کمربند - راه چین، بازسازی جهان بهتر G۷ و دروازه جهانی اتحادیه اروپا هستیم که این امر بیش از پیش بر اهمیت جهان چند قطبی و مسیرهای توسعه ای مختلف می‌افزاید. از این رو کشور ایران با قرار گرفتن در بیضی انرژی جهانی و دسترسی مستقیم به دو منطقه حیاتی و استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر باید استراتژی منسجم و هدفمندی در مسیر توسعه زیر ساختی (حمل و نقلی و انرژی) و رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. از این رو می‌توان تا حدی برای تسهیل در زمینه تاثیرگذاری و سیاست‌گذاری در این زمینه به نکات زیر توجه کرد:

متقاعد کردن بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در مسیرهای این دالان :

مانند تمامی طرح‌های کریدوری، دالان شمال - جنوب به سرمایه‌گذاری گسترده نیاز دارد. به عبارت دیگر، کشورهای عضو باید برای دستیابی به منافع ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک جمعی خود، در پروژه‌های دالان شمال - جنوب سرمایه‌گذاری کنند. متأسفانه بخش خصوصی به دلیل بازگشت سود مبهم سرمایه‌شان تمایلی به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مرتبط به حوزه کریدورها و زیرساخت آنها ندارند. بنابراین ارائه یک برنامه جامع، واضح و عملی برای متقاعد کردن بخش خصوصی در دالان ژئواستراتژیک شمال - جنوب ضروری می‌باشد.

اخیراً طرحی به نام “B3W” شکل گرفته است که هدف آن متقاعد کردن دخالت بخش خصوصی در پروژه‌های زیرساختی می‌باشد. در ۱۱ تا ۱۳ ژوئن سال ۲۰۲۱ کشورهای G۷ در اجلاس سالانه کورنوال در بریتانیا، ابتکار جدیدی را به نام “بازسازی جهان بهتر” را اعلام کردند. هدف این کلان پروژه به رهبری ایالات متحده آمریکا مقابله با اهرم جهانی چین از طریق سرمایه‌گذاری انبوه در توسعه زیرساختی کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۳۵ است. این طرح قرار است حدود ۴۰ تریلیون دلار، عمدتاً از بخش خصوصی به پروژه‌های زیرساختی و حیاتی روانه کند و کشورهایی با درآمد متوسط از آمریکای لاتین و کارائیب گرفته تا آفریقا و آسیا شامل می‌شود. در واقع هدف ایالات متحده با ابتکار “B3W” برای مقابله با مانورهای زیرساختی پکن در کشورهای در حال توسعه است. بخش خصوصی باید با یک استراتژی مشخص و شناسایی بازارهای موجود دست به سرمایه‌گذاری در بخش زیرساختی برای فعال سازی این دالان بین‌المللی در حوزه داخلی - منطقه‌ای بزند.

گسترش فرآیند مبادله گاز و نفت (Expand gas and oil swap process)

چندین عضو این کریدور از جمله روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از مخازن عظیم نفت و گاز برخوردار هستند. اما، کشور هند که به عنوان مقصد نهایی جنوبی این کریدور می‌باشد به شدت محتاج به انرژی می‌باشد و خطوط لوله انرژی را به سمت قلمرو خود جذب می‌کند. با این وجود به دلیل نبود شبکه خط لوله هنوز اجرایی نشده است. در این چارچوب، تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای در مبادله گاز گامی حیاتی در اجرای کامل این کریدور خواهد بود، به ویژه که ایران برای استان‌های شمالی خود به گاز نیاز دارد.

معرفی بندر چابهار به عنوان مرکز کریدور شمال - جنوب

با وجود مرزهای وسیعی که این بندر با مناطق اطراف خلیج فارس و خلیج عمان دارد، موانع داخلی و فشارهای خارجی ایران را از سرمایه گذاری کامل در بنادر خود محروم کرده است. با این وجود، ایرانی ها اخیراً تمرکز خود را بر توسعه گسترده بنادر ژئواستراتژیک جنوب معطوف کرده اند. اگرچه بندرعباس، بندر بزرگ ایران در تنگه هرمز ۸۵ درصد از تجارت دریایی را شامل می شود، چابهار در ساحل خلیج عمان هدف بازسازی گسترده جاده ابریشم چین و جاده کتان هند قرار گرفته است، در حالی که تا حد کمی سرمایه گذاری های خارجی به تدریج در این بندر جذب شده است. در سال ۲۰۰۲ ایران و هند قراردادی طولانی مدت برای توسعه چابهار به یک بندر کامل در اعماق دریا امضا کردند.

چابهار ظرفیت بالایی دارد و برنامه ریزی شده است که ظرفیت فعلی آن از ۲/۵ میلیون تن به ۱۲/۵ میلیون تن در سال افزایش یابد. چابهار بر خلاف بندرعباس می تواند کشتی های باری بزرگتر از ۱۰۰ هزار تن را جابجا کند. تحلیلگران صنعت تاکید کرده اند که برنامه های بلند مدتی برای ادغام چابهار با کریدور شمال - جنوب وجود دارد، هند همچنین به تجارت با اروپا از طریق بندر چابهار و دالان حمل و نقل بین المللی شمال - جنوب چشم دوخته است. باید یادآور شد که دستاورد نهایی اتصال هند به روسیه و بالفعل شدن گسترده این کریدور از طریق بنادر بندرعباس و بندر چابهار است.

توسعه بنادر ایران در سواحل دریای خزر

ایران در مارس ۲۰۱۳ بندر آستارا واقع در جنوب غربی دریای خزر را افتتاح کرد. این بندر با "INSTC" ادغام شده است تا ارتباطات دریایی خود را در سراسر دریای خزر بهبود بخشد. ایران ۲۲ میلیون دلار در این بندر سرمایه گذاری کرده است و در نظر دارد سرمایه گذاری برای توسعه این بندر را تا ۱۰ درصد افزایش دهد. ظرفیت فعلی این بندر ۶۰۰ هزار تن است، اما برنامه هایی برای افزایش آن به ۳ میلیون تن وجود دارد. کشورهای مشترک المنافع عمده ترین تولید کنندگان غلات هستند که از طریق بندرعباس ایران به آفریقا صادر می شود. این بندر به کالاهای روسی امکان می دهد سریعتر و ارزان تر به استان های داخلی ایران برسد.

همچنین بندر امیرآباد در ساحل دریای خزر است که تنها بندر شمال کشور متصل به شبکه ریلی است. این بندر به عنوان سومین بندر بزرگ دریای خزر در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد واقع شده

است که دارای ۱۵ اسکله با ظرفیت سالانه ۷/۵ میلیون تن است.

سرمایه گذاری در شبکه ریلی ایران

مسیر دالان شمال - جنوب از طریق آذربایجان امکان اتصال حمل و نقل هند - ایران - آذربایجان - روسیه - قزاقستان را فراهم می‌کند. ایران کار ساخت و ساز را برای تکمیل حلقه مفقوده جاده و راه آهن قزوین - رشت - آستارا (۲۰۵ کیلومتر) شامل قطعه رشت - آستارا (۱۶۴ کیلومتر) آغاز کرد. این شامل ۳۶۹ کیلومتر پل و خطوط راه آهن برای اتصال بخش های جنوبی به بخش های شمالی با ۲۰۵ کیلومتر است که شامل ۲۲ تونل جدید و ۱۵ پل و همچنین برنامه ای برای توسعه ظرفیت بنادر دریایی آن است. در ساحل شرقی دریای خزر، خط ریلی قزاقستان - ترکمنستان - ایران که در سال ۲۰۱۴ تکمیل و عملیاتی شد، همچنین به عنوان کریدور فراملی^۱ شناخته می‌شود که یک خط ریل به طول ۶۷۷ کیلومتر می‌باشد که قزاقستان و ترکمنستان را به ایران و خلیج فارس متصل می‌کند. اوزن^۲ در قزاقستان را به برکت - اترک^۳ در ترکمنستان متصل می‌کند و به گرگان در استان گلستان ختم می‌شود. در ایران راه آهن به شبکه سراسری متصل می‌شود و به بنادر خلیج فارس راه می‌یابد. هزینه این پروژه حدود ۶۲۰ میلیون دلار برآورد شده است که به طور مشترک توسط دولت های قزاقستان، ترکمنستان و ایران تامین می‌شود. هدف این دو پروژه راه آهن ایجاد یک سیستم حمل و نقل چندوجهی است تا اتصال یکپارچه را در منطقه برای سفر مسافران نیز فراهم کند. دالان شمال - جنوب ۱۳۷ کیلومتر در قزاقستان، ۴۷۰ کیلومتر در ترکمنستان و ۷۰ کیلومتر در ایران خواهد بود.

در کنار این دو راه آهن، دولت های عضو دالان شمال - جنوب باید طرحی برای ادغام ارمنستان، به ویژه پس از جنگ دوم قره باغ در سال ۲۰۲۰، از طریق اجرای یک پروژه راه آهن و اتصال ایروان به باتومی در ساحل دریای سیاه در شمال و ایران - هند در جنوب در دستور کار قرار گیرد. امتیاز راه آهن ارمنستان - ایران^۴، که به عنوان راه آهن ارمنستان جنوبی^۵ یا کریدور راه آهن شمال - جنوب^۶ نیز نامیده می‌شود، از آوریل سال ۲۰۱۷ این پروژه بر روی کاغذ باقی مانده است و هیچ تامین کننده مالی ندارد زیرا امکان

1- North-South Transnational Corridor

2- Uzen

3- Bereket-Etrek

4- Armenia – Iran Railway

5- Southern Armenia Railway

6- North-South Railway

سنجی اقتصادی آن مبهم است. اگر چه ارمنستان همچنان به تلاش برای یافتن حامیان مالی مخصوصاً از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای دوام این پروژه ادامه می‌دهد. این حلقه گمشده، کلیدی بین دریای سیاه - خلیج فارس و اقیانوس هند را شکل می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود قبل از تکمیل مطالعه امکان سنجی، راه آهن ارمنستان جنوبی به طول ۳۱۶ کیلومتر راه آهن گاور^۱، ۵۰ کیلومتری شرق ایروان در نزدیکی دریاچه سوان و مرز ایران در نزدیکی مغری^۲ را بهم متصل می‌کند. این بر اساس پیش‌بینی حجم ترافیک ۱۸/۳ میلیون تن در سال خواهد بود.

امکان دسترسی روسیه - هند - آسیای مرکزی به مدیترانه از طریق ایران

ایران در تلاش است که شبکه‌های حمل و نقل را بهم متصل کند تا دسترسی خود به مدیترانه و دریای سیاه را تحکیم بخشد. اگرچه استانبول قرار است پایانه اصلی کمربند زمینی جاده ابریشم نوین^۳ باشد، اما اخیراً ایران برنامه خود را برای پیوند راه ابریشم نوین چین با شبکه مسیر زمینی خود برای رسیدن به بنادر مدیترانه در سوریه و لبنان نشان داده است. ایران برای این منظور بر دو مسیر موازی کریدور خلیج فارس - مدیترانه^۴ تمرکز کرده است. مسیر اول شلمچه را به بصره، جف، کربلا و رطبه^۵ و در تنف^۶ وارد سوریه می‌شود تا به دمشق و بیروت برسد. مسیر دوم، کرمانشاه ایران را از طریق مرز خسروی به بغداد متصل کند و از الرمادی^۷، البوکمال^۸، دیرالزور^۹ و رقه می‌گذرد تا به حماه^{۱۰} و لاذقیه^{۱۱} در ساحل دریای مدیترانه برسد. در این چارچوب نه تنها چین، بلکه هند و روسیه نیز می‌توانند از طریق این دالان به مدیترانه برسند.

با بررسی آمار و ارقام پروفایل گازی کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران (آسیای مرکزی - روسیه و آذربایجان) و نقشه تبادلات گازی در منطقه و سیستم جهانی انرژی فرصت‌های دارای اولویت بهره

۱- یک شهر در ارمنستان می‌باشد که در استان گغارکونیک واقع شده است

۲- مغری شهری مرزی است در استان سیونیک که بر مرز ایران و آگارا قرار گرفته است

3- Land-based Belt of the New Silk Road

4- Persian Gulf – Mediterranean Corridor

۵- شهری در غرب استان انبار عراق است.

۶- منطقه ای است که در صحرای سوریه در منطقه مثلث مرزی بین سوریه، عراق و اردن قرار دارد

۷- این شهر مرکز استان انبار است که در صد کیلومتری باختری بغداد قرار دارد.

۸- شهری در استان دیرالزور سوریه است که در امتداد رود فرات قرار دارد و با کشور عراق هم مرز است.

۹- استانی واقع در سوریه می‌باشد که در کرانه رود فرات واقع شده است و از سمت شرق و جنوب به مرزهای کشور عراق محدود شده است

۱۰- یکی از شهرهای کشور سوریه است

۱۱- یکی از شهرهای مهم سوریه می‌باشد که مهم‌ترین بندر این کشور نیز می‌باشد.

بررداری کشورمان در حوزه تبادلات بین‌المللی گازی را می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

- با توجه به اعمال تحریم‌های گازی اتحادیه اروپا با هدف قطع وابستگی گازی به این کشور و هدف کاهش ۱۵ درصدی واردات گاز طبیعی از روسیه در سال ۲۰۲۲ می‌توان گفت مازاد صادرات گازی معادل ۲۰ الی ۲۵ میلیارد متر مکعب در کشور روسیه متعاقب این امر وجود داشته که می‌تواند از طریق واردات با هدف ترانزیت مورد توجه مقامات کشورمان قرار گیرد. این واردات می‌تواند به میزان ۱۰ میلیارد متر مکعب از شرق دریای خزر و از طریق کشور ترکمنستان به عنوان جایگزین ۱۰ میلیارد متر مکعب واردات گاز روسیه از ترکمنستان تأمین شود و ۱۰ میلیارد متر مکعب از طریق غرب دریای خزر و از طریق خط لوله بین جمهوری اسلامی ایران و شوروی سابق قابلیت اجرایی شدن دارد.^۱
 - با توجه به تراز گازی و زیرساخت‌های موجود در کشورهای همسایه می‌توان سه کشور پاکستان، عراق و عمان را سه بازار هدف و حائز اولویت برای صادرات گاز بر شمرد. با توجه به کسری زیاد گاز در کشور پاکستان (۱۰ bcm) و همچنین کسری قابل توجه گاز در عراق (۷/۷ bcm)، دو کشور معادل ۱۷ میلیارد متر مکعب ظرفیت واردات گاز طبیعی دارند.
 - همچنین پاکستان زیرساخت‌های واردات LNG داشته و از مبادی متعدد و مختلفی گاز طبیعی مایع شده وارد می‌نماید. از سوی دیگر، امکان صادرات گاز طبیعی از طریق خطوط لوله به مقصد عمان و صادرات مجدد آن به شکل LNG به مقصد پاکستان نیز وجود داشته و از فرصت‌های همکاری اقتصادی چندجانبه گازی محسوب می‌شود.
- این کریدور به صورت بالقوه پتانسیل قابل توجهی برای تقویت انرژی بین منطقه ای و شبکه سازی در بین کشورهای منطقه دارد. با این حال چشم انداز ژئوپلیتیکی و ریسک‌های سیاسی، به ویژه تنش‌های مداوم بین ایران و ایالات متحده، به شدت بر قابلیت‌ها و سودآوری این کریدور تاثیر می‌گذارد. در این مورد باید دو سناریو محتمل را برای سیاست‌گذاری در این حوزه مورد توجه قرار داد:

- ۱- موفقیت مذاکرات ایران و ایالات متحده: در صورتی که ایران و ایالات متحده به یک توافق موفقیت آمیز دست یابند، این موضوع می‌تواند به رفع یا کاهش قابل توجه تحریم‌های آمریکا منجر

شود. این سناریو می‌تواند پیامدهای متعددی داشته باشد :

- با رفع تحریم‌ها، ایران احتمالاً شاهد افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش انرژی و زیرساختی خود خواهد بود. شرکت‌های بین‌المللی انرژی و زیرساختی (شرکت‌های آسیایی و اروپایی) ممکن است فعالیت‌های خود را در ایران از سر بگیرند یا گسترش دهند.
- ایران می‌تواند دوباره به بازارهای مالی بین‌المللی دسترسی پیدا کند، که به آن امکان می‌دهد پروژه‌های بزرگ زیرساختی را تامین مالی کند و سرمایه‌گذاری در کریدورها و انرژی و ترانزیتی قوت بگیرد.
- توانایی ایران در صادرات نفت، گاز و محصولات پتروشیمی از طریق کریدورها بهبود خواهد یافت و نقش آن به عنوان تامین‌کننده کلیدی انرژی در بازارهای جهانی و منطقه‌ای تقویت خواهد یافت.
- شکست مذاکرات ایران و ایالات متحده: در صورتی که این مذاکرات شکست بخورد یا به توافقی ناقص و غیر رضایت بخش منجر شود، چشم‌انداز در زمینه کریدورها و حوزه زیرساختی با چالش‌های بیشتری مواجه خواهد شد:
- تداوم فشارهای تحریمی باعث بیشتر شدن انزوای ایران از سیستم‌های مالی جهانی خواهد شد و این کشور را برای جذب توانایی سرمایه‌گذاری خارجی و تامین مالی پروژه‌های بزرگ زیرساختی با مشکل جدی روبرو خواهد کرد.
- تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و کسری بودجه می‌تواند در میان مدت و کوتاه مدت توانایی ایران را برای سرمایه‌گذاری در کریدورها و نگهداری از زیرساخت‌های موجود این کشور را با محدودیت مواجه کند.
- شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران با ریسک‌های سیاسی و مالی بیشتری مواجه خواهند شد و سرمایه‌گذاری‌های میان مدت و بلند مدت با مشکلات جدی مواجه می‌شود.
- تداوم خصومت بین ایران و ایالات متحده می‌تواند منطقه (غرب، مرکز و جنوب) آسیا را بی‌ثبات کرده و ریسک‌های به شدت بالایی را برای سرمایه‌گذاران در حوزه‌های کریدوری و زیرساختی را افزایش دهد.

- تداوم این شرایط در میان مدت و بلند مدت باعث می‌شود که قدرت‌های دیگر منطقه‌ای مانند: عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی سعی کنند موقعیت کریدوری و زیرساختی ایران را با ترویج مسیرهای جایگزین تضعیف کنند.